

«تعادل» وضعیت بازار سهام در اقتصادهای بزرگ را بررسی می کند

بورس های جهانی در دوراهی سیاست

صفحه ۴



نیاز اقتصاد ایران

مهریه، حق شرعی یا بحران اجتماعی؟

کشمکش ها بر سر

تعیین قانونی مهریه ادامه دارد

صفحه ۸

یادداشت - ۱

وقتی عددها، مدیران را از هیجان نجات می دهند

در فضایی که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری آسیر هیجان، شایعه و تحلیل های سطحی شده، بازگشت به «عدد» و «سطوح اهمیت» می تواند راه نجات مدیران، سیاستگذاران و تصمیم گیران باشد.



محمد حسین ادیب

تصمیم گیران باید بدانند اولویت ها را به طور دقیق از همین نقطه آغاز می شود. جایی که سرعت بیشتر، واسطه ها کوچکتر می شوند و تصمیم گیری بدون درک اولویت ها، به گمراهی ختم خواهد شد. یکی از بزرگترین خطاهای تحلیلی در اقتصاد و مدیریت ایران این است که موضوعات کم اهمیت، ناگهان به سطح اول اهمیت منتقل می شوند و بر اساس همان، تصمیم های کلان گرفته می شود. این جابه جایی سطوح اهمیت، نه تنها تحلیل را مخدوش می کند، بلکه مسیر حرکت سازمان و حتی اقتصاد را به بیراهه می برد. در همین چارچوب مدیر باید بدانند اولین سطح اهمیت چیست و چه چیزی در واقع تعیین کننده است. برای مثال، در شرایط تورمی، بسیاری از تحلیل ها حول این محور می چرخد که «دلار گران شده، پس باید احتکار کرد یا موجودی انبار را بالا برد» اما وقتی به عددها رجوع می کنیم، تصویر کاملا متفاوتی نمایان می شود. بررسی شرکت های برتر بورسی ایران نشان می دهد نسبت موجودی انبار به فروش، تا که تا دو ماه پیش حدود ۳۲ روز بود، اکنون به حدود ۲۵ روز رسیده است. حتی اگر این عدد را با دقت بیشتری بررسی کنیم و موجودی های راگد و خریدهای غلط را کنار بگذاریم، موجودی واقعی بسیاری از شرکت ها به حدود ۱۸ روز فروش می رسد. این عدد پیام روشنی دارد: شرکت های موفق، نه تنها امکان نوسان گیری از تورم را ندارند، بلکه اساسا پولی برای آن در اختیارشان نیست.

این واقعیت، برخلاف فضای غالب در شبکه های اجتماعی است، فضایی که القا می کند همه چیز در حال گران شدن است و باید دلار داشت. اما عددها چیز دیگری می گویند. شرکت ها با نقدینگی محدود اداره می شوند و میانگین توان مالی بسیاری از آنها، تنها پانزده تا ۱۵ روز آینده است. در چنین شرایطی، صحبت از خرید دلار، احتکار کالا یا تصمیم های هیجانی، بیشتر به شوخی شبیه است تا تحلیل اقتصادی. جامعه موج پنجم، تنها درباره کاشف تعداد واسطه ها، کاشف زمان ها، کاشف اصطکاک ها، در اقتصاد ایران، یکی از مهم ترین تفاوت ها با استانداردهای جهانی، بخش واسطه گری بوده است. سال های سال است که هر کالای به طور میانگین چهار بار صاحب و قیمت عوض می کند. امروزه دو سال گذشته نشان می دهد این عدد به سه بار کاهش یافته و مسیر حرکت به سمت دو بار است. این روند متفاوت یعنی واسطه ها، تحت فشار شدید قرار گرفته اند. افزایش قیمت دلار، بیش از آنکه به تولید کننده یا مصرف کننده فشار بیاورد، واسطه ها را کوچکتر می کند. جامعه موج پنجم، جامعه ای است که در آن واسطه گری پر هزینه و کم دوام می شود و ساختار اقتصاد، به سمت شفافیت و کوتاه شدن زنجیره ها حرکت می کند. برای درک بهتر این مفهوم، می توان از مثال های ساده ای استفاده کرد. همطور که در روابط انسانی، جامعه موج پنجم یعنی قهرها کوتاه تر، تنش ها کمتر و واکنش ها سریع تر شود، در اقتصاد هم همین منطق حاکم است. تماس های تلفنی کوتاه تر می شود، تصمیم ها سریع تر گرفته می شود و خطاهای زودتر اصلاح می شوند. این افزایش سرعت، هم در جهت مثبت عمل می کند و هم در جهت منفی؛ یعنی همانقدر که فرصت رشد بیشتر می شود، خطاهم سریع تر خودش را نشان می دهد. در چنین فضای، مدیرانی موفق خواهند بود که به جای دنبال کردن هیجانات عمومی، به عددها تکیه کنند. مقایسه شاخص های خرد ایران با جهان نشان می دهد که برخلاف تصور رایج، بسیاری از نسبت ها در شرکت های بزرگ ایرانی، به استانداردهای جهانی نزدیک شده است. این به معنای ادغام کامل اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی نیست، اما نشان می دهد که منطق عددی، حتی در شرایط خاص ایران، راه خود را پیدا کرده است. پیام اصلی جامعه موج پنجم برای مدیران اقتصادی روشن است: تصمیم گیری بدون درک سطح اهمیت، خطرناک است. تمرکز بر متغیرهای اشتباه، سازمان را به بیراهه می برد. آینده متعلق به مدیرانی است که بتوانند میان انبوه داده ها، مساله اصلی را تشخیص دهند و بر اساس آن، اقدام کنند. در نهایت، جامعه موج پنجم به یک شعار است و نه یک نظر به افتراعی؛ بلکه توصیفی از واقعیتی است که هم اکنون در حال رخ دادن است. واقعیتی که می گوید سرعت بیشتر شده و واسطه ها در حال کسوف شدن هستند و عددها، بیش از هر زمان دیگری، حقیقت را آشکار می کنند.

کاهش اتکا به نفت جدی تر می شود؟

مالیات، جو رکش بودجه

ایران تبدیل می شود. مفهومی که دست کم در دو دهه گذشته، تقریباً در همه دولت ها مطرح شده، در برنامه های توسعه انعکاس یافته و در سخنان مسوولان به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر شناخته شده است. با این حال، واقعیت این است که اصلاحات بنیادین در ساختار بودجه نویسی کشور همواره به باه تعویق افتاده یا به شکل ناقص و مقطعی یکی از مهم ترین دلایل...



حمید حاج اسماعیلی از آخرین تصمیمات شورای عالی کار می گوید

معادله دستمزد در آستانه تغییر دولت افزایش ۵۰ درصدی دستمزد ها را پذیرفته است

بازنگری دستمزد در طول سال را فراهم کند. در گذشته هم این موضوع مطرح بود اما نه دولت و نه مجلس آن را نپذیرفتند. افزایش مملو بودجه دولت در طول سال این مطالبه را به یک ضرورت کلیدی و جدی تبدیل کرده است. دولت خودش اجازه افزایش قیمت بسیاری از کالاها و خدمات را به بنگاه های مختلف داده است و این مسئله به طور مستقیم معیشت کارگران را تحت فشار قرار می دهد. بخشی از تورم رخ داده در جامعه، نتیجه تصمیمات دولت های قبل است. تغییر سیاست های اقتصادی افزایش هزینه ها و تصمیمات کلان، همگی روی سطح عمومی قیمت ها اثر می گذارند. وقتی دولت بانی بخشی از این افزایش ها است، طبیعی است که کارگران انتظار داشته باشند دستمزد ها هم متناسب با شرایط جدید اصلاح شود.

■ **از نظر شما، تفاوت دیگر روند تصمیمات مرتبط با دستمزد ها در سال جاری با سال های قبل چیست؟**
مهم ترین تفاوت، افزایش قدرت چانه زنی کارگران است که ناشی از رویکرد دولت است. شرایط اجتماعی اخیر و رویکرد دولت باعث شده کارگران با اعتماد به نفس بیشتری وارد مذاکرات شوند و مواضع خود را با صراحت بیشتری مطرح کنند. به نظر من، کارگران امسال کمتر از گذشته مباحثات باطل ایجاد شده که نتیجه آن گسترش فقر بوده است. به نظر می رسد کارگران امسال تمایلی ندارند که دوباره وارد این چرخه ناگوار آمد شوند. چرخه ای که کمکی به بهبود معیشت آنها نمی کند. اما هنوز هم اکنون اعلام کرده اند که افزایش دستمزد باید فراتر از تورم باشد و این مطالبه را جدی دنبال می کنند.
■ **اما به هر حال دولت هم معذورات خاص خود را دارد. ضمن اینکه بحث بازنگری دستمزد در طول سال هم مطرح است. از این طریق می توان مطالبات کارگران را تحقق بخشید؟**
این یکی از مهم ترین تفاوت های روند تصمیم گیری در خصوص دستمزد ها در سال جاری با تصمیمات سال های قبل است. کارگران به دنبال مصوبه ای هستند که امکان

اولین مساله این است که جامعه کارفرمایان در ایران، در بسیاری از موارد بخشی از خود دولت محسوب می شود. بسیاری از کارفرمایان یا وابسته به دولت هستند یا با بودجه دولتی مستقیم در ساختار قدرت دارند و این باعث می شود نقش مستقل کارفرما کم رنگ شود. دولت خودش یک کارفرمای بزرگ است و منافع مشخصی دارد. به همین دلیل، در بسیاری از مواقع به جای اینکه نقش تنظیم گر و داور را بین کارگران و کارفرمایان ایفا کند، بیشتر نقش کارفرمای رابر عهده می گیرد و این تعادل را بر هم می زند. در واقع مشکل فرایند تعیین دستمزد ها این است که دولت بی نفع محسوب می شود و نمی تواند در شمال یک نهاد بی طرف ورود کند.
■ **نقش تشکل ها و گفت و گو سه جانبه در این میان چیست؟ به هر حال نمایندگان کارگران کارفرمایان هر کدام باید در راستای منافع جامعه هدف خود عمل کنند و دولت باید نقشی میانه داشته باشد؟**
متأسفانه دولت اعتدلی که سه جانبه گری ای ندارد. در اغلب تصمیم های مرتبط با دستمزد ها، دولت خودش وارد عمل می شود و اجازه نمی دهد کارگران و کارفرمایان به یک توافق واقعی برسند. این دخالت مستقیم باعث می شود روند تعیین دستمزد مشکل بگیرد. این مشکل اساسی در فرایند تعیین دستمزد ها است. شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور باعث شده دولت بیش از گذشته مصلحت سنجی کند. دولت معمولاً با توجه به نگرانی هایی که دارد، تصمیم نهایی را می گیرد و همین مساله نشان می دهد که روند تعیین دستمزد بیشتر دولتی است. آمارش کنی.

■ **یعنی شما معتقدید سکاندار اصلی تعیین دستمزد، دولت است. وقتی دولت را سکاندار اصلی این روند بدانیم، آیا شورای عالی کار بلا موضوع نمی شود؟**
کاملاً همین طور است. دولت سکاندار اصلی فرایند تعیین دستمزد است. البته دولت چهاردهم نشان داده که به دنبال پیگیری مطالبات اقشار کم برخوردار تر یعنی کارگران است.
■ **شما می گوید ایرادات وجود دارد، اما این ایرادات به صورت مصدافی شامل چه مواردی هستند؟**
واقعیت این است که حرف تازهای مطرح نشده و این روند از گذشته وجود داشته است. معمولاً در تعیین دستمزد، کارگران بیشتر با دولت طرف هستند تا کارفرمایان. این مساله چند ایراد اساسی دارد که باید به آن توجه کرد.
■ **شما می گوید ایرادات وجود دارد، اما این ایرادات به صورت مصدافی شامل چه مواردی هستند؟**
واقعیت این است که حرف تازهای مطرح نشده و این روند از گذشته وجود داشته است. معمولاً در تعیین دستمزد، کارگران بیشتر با دولت طرف هستند تا کارفرمایان. این مساله چند ایراد اساسی دارد که باید به آن توجه کرد.

سقوط ۱۳۰ میلیونی هزینه وام موتور خانه دار شدن روشن شد؟

در حالی که تا دو ماه پیش هزینه خرید امتیاز وام مسکن برای یک زوج تهرانی به حدود ۴۳۵ میلیون تومان رسیده بود، اکنون همان وام ۱.۲۸ میلیارد تومانی با رقمی در حدود ۳۰۴ میلیون تومان قابل دریافت است. کاهش حدود ۱۳۰ میلیون تومانی هزینه اوراق در کنار رشد ۳۱ درصدی تعداد تسهیلات پرداختی، تصویر تازه ای از بازار اعتباری مسکن ترسیم می کند. بازاری که از یک سو با افزایش پرداخت وام و رشد سقف ها مواجه است و از سوی دیگر، با افت قیمت اوراق و تلاش...

موبایل عملا از سبد خرید خانوار حذف شد

بازار موبایل در تقاطع سه شوک

تعداد | بازار موبایل ایران این روزها در ظاهر آرام اما در باطن ملتهب است. قیمت ها در قله ایستاده اند، واردات روندی نزولی دارد و تقاضا به پایین ترین سطح خود رسیده است. در حالی که برخی روایت ها از «قیات بازار» می گویند، فعالان صنعتی از رشد ۲۰ تا ۳۰ درصدی قیمت ها در یک ماه، حذف ارز رسمی و ناتوانی در جایگزینی موجودی خبر می دهند؛ شرایطی که تلفن همراه را از کالایی مصرفی به خریدی لوکس و دست نیافتنی...

یادداشت - ۴

طلای داخلی بر سر دوراهی

مهم ترین سوالی که این روزها برای بسیاری از افراد پیش آمده یا پیش خواهد آمد، رفتار انتظار طلای بازار داخلی است که بسیاری را سردرگم و حتی بسیاری را مطمئن از رفتاری خاص (چه رشد یا ریزش بسیار قوی) می بازه زمانی کوتاه مدت تا میان مدت و حتی بلندمدت ساخته است که در ادامه آن حدودی سعی می شود از ابهامات پیش آمده کاست.



علی فراقی

حال در خصوص بررسی تکنیکی صرفا در صورتی که شکل گرفته حاضر اقدام به شکست رو به پایین و شکول دادن یک الگوی بازگشتی کرده یا اقدام به ثبت حداقل یک کف و سقف پایین تر کنید، می تواند مجدد انتظار داشت که احتمال اصلاح بیشتر افزایش یابد و نسبت به احتمال رشدی قوت بگیرد که البته این سناریو احتمال کمتری برای وقوع در بازار خواهد داشت. در بخش دوم می توان همانند بخش قبلی که به صورت خلاصه اشاره شد طلا در داخل کشور را از لحاظ بنیادی با به اصطلاح فاندamental و بررسی متغیرهای اثرگذار به صورت داخلی و خارجی در نظر گرفت که در مرحله اول می توان ارتباط طلای داخلی با اونس جهانی و نرخ دلار را در نظر گرفت که در بخش اونس جهانی در حال حاضر با توجه به انتظار نسبی در خصوص اصلاح در حال حاضر هنوز اونس جهانی در یک روند صعودی به صورت کوتاه مدت و بلندمدت قرار گرفته که هنوز نشانه هایی از برگشت روند قابل مشاهده نیست و صرفا شاهد اصلاح و استراحت های درون روندی کوچک هستیم و در بخش مقابل رفته رفته پس از ضعف ادامه دار و روند نزولی شاخص دلار آمریکا رویدیم که رفتار شکل گرفته حاضر نشان از بازگشت بار تکرار شد یا نتایج مطلوبی به همراه نداشته است. در برخی کشورهای امریکای لاتین و حتی تعدادی از کشورهای آفریقایی، به دلیل نبود زیرساخت های لازم و استمرار بی ثباتی، مردم به پول جدید اعتماد نکردند و صرفا تلاش کردند در آبرایی نقدی خود را سریع تر به کالا تبدیل کنند. ترکیه زمانی اقدام به حذف صفر کرد که به ثبات نسبی اقتصادی رسیده بود. تورم کنترل و مدیریت شده بود، رشد نقدینگی در سطح معقول قرار داشت، بودجه دولت تاحدی متعادل شده و ارزش لیر در برابر ارزهای خارجی دچار تزلزل جدی نبود. در چنین شرایطی این سیاست توانست اثرات مثبتی داشته باشد. **ادامه در صفحه ۳**

یادداشت - ۳

سهام واقعی حذف صفر

با توجه به شرایط فعلی اقتصاد کشور، چه از منظر داخلی و چه از بعد بیرونی، زمان مناسبی برای اجرای چنین رقم پولی نیست. ما همچنان با تورم بالا مواجه هستیم و اقتصاد به ثبات نرسیده است. اجرای این طرح چنین فضایی را برای مدیران کشور می تواند التهاب جدیدی به بازار پول و شبکه بانکی وارد کند. حذف صفر فاذا منجر به افزایش قدرت خرید یا ایجاد منافع اقتصادی واقعی نمی شود. این اقدام بیشتر یک اصلاح اسمی است و تا زمانی که اصلاحات اساسی اقتصادی انجام نشود و به یک دوره ثبات حداقل یک تا دو ساله نرسیم، احتمال بازگشت شرایط قبلی وجود دارد. ضمن اینکه فرآیند اجرایی این طرح نیز زمانبر است؛ از تعویض اسکناس ها گرفته تا تغییر سامانه ها، اصلاح حساب ها و عادت پذیری مردم که ممکن است دو تا سه سال طول



بهزاد حسین هاشمی

یادداشت - ۲

آرامش در نظام تامین و توزیع سوخت

اما اخیر تحولات مهمی در حوزه انرژی کشور ایجاد شده که مدیریت سوخت مایع یکی از مهم ترین آنهاست. بر اساس گزارش های رسمی میزان واردات نفت گاز به کشور با توجه به پیاده سازی طرح های افزایش ظرفیت به صفر رسیده که در شرایط محدودیت منابع انرژی کمک شایانی به دولت کرده است. این در حالی است که کوردهای قالب دیگری نیز در این بخش به دست آمده است. شائبه شدن کوردها تحویل ماهانه نفت گاز میانگین ۵۹ میلیون لیتر در دی ماه سال ۱۴۰۴ یکی از آنهاست. علاوه بر این نقطه ضعف و پاشنه آشیل به جامانده از دولت قبل که در سال ۱۴۰۳ به شدت موجب تکدر خاطر مردم شده و نیروگاه های برق کشور را با محدودیت مواجه کرده بود، برطرف شد و این بخش را به نقطه قوت دولت کشور تبدیل کرد. بر اساس آمارهای موجود رکورد ذخیره سازی سوخت نیروگاه ها در اواسط آبان شکسته شد. میزان ذخیره سازی سوخت گاز در این بخش به حدود ۲.۴ میلیارد لیتر رسید. **ادامه در صفحه ۲**



محمد ابراهیمی

اوپیل سال جاری کلاف پیچیده ناترازی های کشور در حوزه های مختلف به ویژه بخش انرژی و سوخت (و خصوصا توزیع سوخت) و سوخت مایع، تجربه های نه چندان خوشایند (سابق) شرایطی را رقم زد که خوشبینی ها در مورد توزیع سوخت را کاهش داده بود. در واقع جامعه به صورت عام دست انداز مناسبی برای فصل سرما متصور نبود ولی چشم انداز کران حوزه انرژی که اقدامات وزارت نفت در رصد می کردند باطمینان بیشتری از امکان مدیریت تامین و توزیع سوخت سخن می گفتند. در ابتدای فصل سرما اگر معاون وزیر نفت در امور گاز مدعی توانایی مدیریت تولید و توزیع گازی شده همگان با تردید این سخنان را می شنیدند. همین وضعیت در بخش تامین و توزیع سوخت مایع نیز وجود داشت. در طول یک سال گذشته به ویژه طی شش